

سه‌شنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۱–۲۱ شعبان ۱۴۴۴ – ۱۴ مارس ۲۰۲۳ – سال بیست‌ودوم – شماره ۵۹۵۲

## مراسم نود و پنجمین دوره جوایز سینمایی اسکار برگزار شد مامان! من اسکار گرفتم

مراسم اهدای جوایز اسکار ۲۰۲۳ با کنایه‌های «جیمی کیمبل»، مجری این دوره از جوایز به «ویل اسمیت» و سخنرانی تأثیرگذار برنده جایزه بهترین نقش مکمل مرد و بهترین بازیگر نقش زن به پایان رسید.

به گزارش ایسنا و به نقل از گاردین، مراسم نود و پنجمین دوره جوایز سینمایی اسکار سرانجام به پایان رسید و فیلم «همه چیز همه جا به یکباره» با کسب هفت جایزه به برنده بزرگ این دوره از جوایز تبدیل شد. اسمسال «جیمی کیمبل» به عنوان مجری مراسم حضور داشت و در اشاره به مسئله پرحاشیه سیلی زدن «ویل اسمیت» به «کریس راک» مجری مراسم سال گذشته اسکار گفت: «می‌خواهیم خوش بگذرانیم، احساس امنیت داریم و از همه مهم‌تر می‌خواهیم که من احساس امنیت داشته باشم. در نتیجه مقررات سخت و سختی برقرار کردیم. اگر از هر کسی در این سالن، در هر مقطعی از مراسم اقدام خشونت‌آمیزی سر بزنند، به او جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد اهدا می‌شود و اجازه دارد سخنرانی ۱۹ دقیقه‌ای داشته باشد.»

«اسمیت» پس از شوخی «کریس راک» کم‌دین آمریکایی با همسرش در مراسم اسکار ۲۰۲۲، به روی صحنه رفت و به او سیلی زد. آکادمی اسکار در واکنش به حرکت «اسمیت» در اسکار ۲۰۲۱، عضویت او را در آکادمی لغو کرده و همچنین این بازیگر ۵۴ ساله را برای مدت ۱۰ سنال از حضور در هر گونه رویدادهای مرتبط با آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار منع کرد.

با همسرش در مراسم اسکار غریبه نیست. در سال ۲۰۱۷ زمانی که او مجری جوایز اسکاربود، فیلم «لا لاند» به اشتباه به جای «مون‌لایت» به عنوان برنده بهترین فیلم معرفی شد.

«که هوی کو آن» که برای بازی در «همه‌چیز همه‌جا به یکباره» با کنز رزن «برندن گلیسون»، «برایان تابیرو هنری»، «جاد هیرش» و «بری کیوانگ» جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را به خود اختصاص داد.



هوی کو آن» به عنوان دو بازیگر آسیایی تاریخ‌ساز جوایز اسکار شدند.

با این حال فیلم‌های «الویس»، «فیلمبن‌ها»، «بنشئی‌های اینیشرین» و «تار» که در شاخه بهترین فیلم نامزد شده بودند، از مراسم دست خالی رفتند. در ادامه نگاهی داریم به قابل‌توجه‌ترین نامزدهایی که در نود و پنجمین دوره از جوایز اسکار شگفتی آفرینند یا نادیده گرفته شدند.

«آنچلا باست» که برای بازی در «پلنگ سیاه» واکاندا برای همیشه» در شاخه بهترین بازیگر زن نقش مکمل نامزد شده بود، با وجود اینکه در جوایز گلدن گلوب و جوایز انتخاب منتقدان به عنوان برگزیده معرفی شده بود، از اسکار جاماند. از دیگر نامزدهای قابل‌توجه دنیשב

که مورد بی توجهی قرار گرفت به «کاترین مارتین» و فیلم «الویس» می‌توان اشاره کرد. فیلم «الویس» شب گذشته با هشت نامزدی در مراسم شرکت کرد که در سه شاخه از آن‌ها «مارتین» برای بهترین فیلم، طراحی تولید و طراحی لباس به نمایندگی از «الویس» نامزد شده بود.

به نظر می‌رسید پس از اینکه «استین باتلر» برای بازی در «الویس» جایزه بقتا را دریافت کرده بود می‌توان در شاخه بهترین بازیگر مرد اسکار نیز انتخاب شود، اما «برندن فریزر» که در جوایز انجمن آمریکا برگزیده شده بود برای

### مراسم تودیع و معارفه مدیر عامل خانه سینما برگزار شد

## شوخی‌های عروسکی با «مرضیه برومند» در مراسم مدیرعاملی‌اش

وی ادامه داد: من با چهار معاون سینمایی کار کردم، آقای ایوبی که به نیکي از ایشان یاد می‌کنم، آقای حیدریان که همکاری خوبی را در دوران مدیریت ایشان داشتیم، آقای انتظامی که در آن دوره بالا و پایین‌هایی داشتیم ولی از نکات مثبت ایشان نمی‌توانم بگذرم و بعد هم مدیررسی آقای خزاعی، مس‌ا در این مسیر به یک رویکرد تعاملی و گفت‌وگو محور نیاز داریم و فقط از این طریق است که می‌شود به نتیجه رسید چرا که نسل جوان و خلاقى در راه است و ما حق نداریم به فرزندان هنرمند خود زمین سوخته تحویل دهیم. باید هر آنچه افق مشترک ما را تأکید می‌کند مدنظر داشته باشیم.

این سینماگر اضافه کرد: رنج‌هایی به لحاظ فضای عمومی و از درون بر من و خیلی از همکارانم وارد شده که می‌خواستم بخشی از آن‌ها را اینجا بگویم ولی روحیه پشاش مایمون (اسعدیان) این اجازه را نمی‌دهد و شاید هیچ وقت زمان آن نرسد.

وی در ادامه خطاب به مرضیه برومند گفت: بانسوی اول مدیر در خانه سینما فرشته (طابور) بود که ریس هیات مدیره بود و بانوی دوم تو هستی و این شاید از داستانهای شرقی باشد که دو دوست با فاصله که عمر یکی هزار سال یاد و دیگری نیست، برای روزهای تازه و کارهایی خوب بشارت می‌دهند.

وی تأکید کرد که حرمت و کرامت سینماگران در اولویت است و هر کسی جز این رفتار کند از ما نیست.

او گفت: من به نیست مراقبت به این مسئولیت آمدم ولی خیلی دلم می‌خواست آکادمی علوم و فنون را هم الان تحویل می‌دایم که مناسبانه حاصل نشد. آن بار بزرگ به زمین خورده همین آکادمی است که امیدوارم به پرواز درآید.

شاهسواری در پایان با قدرانی از تمام همکارانش در خانه سینما و انجمن‌ها صنفی سینمایی گفت: برای آن اقلیتی که سنگ‌اندازی کردند هم آرزو می‌کنم دستانشان روزی پر از گل شود.

**روایت مرضیه برومند از چرایی پذیرش مدیرعاملی خانه سینما**

در بخش دیگری از این مراسم مرضیه برومند با بیان خاطراتی از یک دوست افغانستانی که در پیامی ریاستش بر سر سینمای ایران را تریک گفته بود بیان کرد؛ این تصور اکثر مردم غیرسینمایی است که من رییس سینمای ایران شدم ولی با این



بازی در فیلم «تهنگ» به عنوان برنده شاخه بهترین بازیگر مرد نقش اول اسکار معرفی شد.

«روث ای کارتر» که برای «پلنگ سیاه» واکاندا برای همیشه» اسکار طراحی لباس در جوایز ۲۰۲۳ را به خانه برد، به یکی از شگفتی‌سازان ایسن دوره از جوایز تبدیل شد. شاید در وهله اول غافلگیرکننده نباشد که این جایزه به چهره برجسته‌ای همچون «کارتز» تعلق پیدا کند، اما نکته قابل تأمل اهدای بقتای طراحی لباس به «کاترین مارتین» بود.

«هندی واکر» هفته گذشته برای فیلم «الویس» جایزه بهترین فیلمبرداری فیلم بلند را به خود اختصاص داد و نخستین زن برنده این جایزه نام گرفت. به نظر می‌رسد «واکر» می‌تواند این تاریخ‌سازی در جوایز اسکار نیز تکرار کند، اما در نهایت این جایزه به «جیمز فرند» برای عملکرد تحسین‌برانگیزش در فیلم «در جهه غرب خبری نیست» اهدا شد. همچنین پیش‌بینی می‌شد، اسکار بهترین موسیقی متن به دو آهنگساز پیشین برنده اسکار، یعنی «جاستین هرولتز» برای «بابل» و «جان ویلیامز» اسطوره‌ای اهدا شود. اما «فولکر برتلمان» آهنگساز آلمانی بود که برای فیلم «در جهه غرب خبری نیست» در این شاخه به عنوان برنده انتخاب شد.

### فرهنگی

نخل

**حدیث «نخل یوسف»**

*علی جان بزرگی «جهانی»*



نخل یوسف، روستایی از دهستان مُغویه، بخش مرکزی شهرستان بندرلنگه از استان هرم‌زگان است. روستایی که ناشم با فیلم مستند «مُغیسف» به کارگردانی خاتم حدیث جان‌بزرگی شهرت جهانی یافته است. مستندی که نشان از حفاظت محیط زیست توسط مردی مهربان و شجاع به همراه خانواده‌اش دارد که به تنها دربرابر شکارچی‌ها ایستادی کرده بلکه برای حیوانات وحشی (کله‌ها، بزها، آهوان) با هزینه شخصی خودش آیشخور درست کرده است تا حیوانات تشنه را در تابستان سیراب کند. همت بلند او و خانواده گرانقدرش از روستای کوچک (حدود ۳۰خانوار) به همراه شجاعت و سختکوشی مستندسازی نیک اندیش، ما را به مدت سه شبانه روز مهمان فضیلت خود نمود.

چهارشنبه سوم اسفند ۱۴۰۱فروگاه مهرآباد مهربانی اش را نشان داد تا پس از یک ساعت و ده دقیقه به بال‌های هما در فرودگاه شیراز به زمین بنشینیم و پس از نیم ساعت توقف و سپس ۵۵دقیقه پرواز به فرودگاه بندرلنگه رسیدیم و با خروج از فرودگاه به آسانی میزبان مهربان را شناسایی کنیم و به او بگوییم: «حسن آقا، شناختمت در جهان مشهور شده ای!»

سوار ماشین پژو پارس جدید حسن آقا سکنجه‌ای شدیم و گشتی در بندر لنگه زدیم. از دیدن بان رگاک با مُغوشی که در کنار خیابان پخته می‌شد و ترکیبی از آرد، تخم مرغ، پنیر و مایه بود و البته خوشمزه ، دل یاد کرد و آن را تجربه کردیم. مهمان حسن آقا بود.

بازار سرپوشیده مرکزی، ساده و صمیمی با نگاهی کنجکاو پذیرای ما شده بود و از کالاهای آن بیش از هر چیزی جاروهای سبزرنگ طبیعی آن که از شاخه‌های نخل خرما درست شده بود، جذب می‌کرد. یکی به یادگار خریدم. چیزهای فراوان دیگر بود که نیازی به آن‌ها نداشتم. درخت نخل برایم خیلی جذاب است. درختی است خشن اما خرمای شیرین و تازه آن خوشوتش را دوست داشتنی می‌کند. سال‌ها پیش نقش نخل را بر روی یکی از پیرهان‌هایم ایجاد کردم. حسن خوبی داشت. همچنان که سخن می‌گفتم پنجاه کیلوستر به سمت بو شهر گذشت و به روستای «تخل یوسف» رسیدیم. پس از صرف ناهار، بی تاب طبیعت آن جا شدم. به سراغ درخت لیمو و کنز لحاظ منزل رفتم و با اژه آهن به جل شاخه‌های آن‌ها افتادم و با خون این شعر سعدی را خواندم که: زکات مال به در کن که فله‌ی ز زر / چو باغبان ببرد بیشتر دهد انگور حسن آقا به کمک آمد و گفت: تا کنون ایسن درخت‌ها را خرّس نکرده ایم. خارهای خشن و تیز آن‌ها بر دستم فرو می‌رفتند اما آزارم نمی‌دادند.گویی با نیش زدنشان از من سیاسی‌گاری می‌کنند که آن‌ها را پیرایش می‌کنم. سپس به دامنه کوه رفتم؛به آب انباری که در دل صحرای بی آب، سرشار از آب باران بود. آب انباری که حسن آقا با دست خود مرمت کرده بود و از آنجا برای آبخور آهوان آب می‌برد. آب انبارهای فراوان به فاصله‌های کم که نهایت بهره برداری و مهاب آن باران را داشتند و آب شرب و باغداری آن‌ها از همین آب انبارها بود. گنبدهای سفید آب انبارها، در میانه آسمان صاف و آبی و زمین سبز و کوبری جلوه ای خاص داشتند و زیبایی را چندین برابر نشان می‌دادند. صبح روز بعد برای دیدن آیشخور به دل کوه رفتم. دامن صحرا و دامنه کوه سبزرنگ بود. گیاهانی شبیه برگ ترچه تازه رسته نظرم را جلب کرد. یک بوته چیدم و در دهانم مرزمه کردم. گفتم این ترشک کوهی است و چقدر لذیذ است. گیاهی سرشار از ویتامین و دارای آنتی اکسیدان. حسن آقا گفت ما هم به همین نام آن را می‌شناسیم. بر سر سفره باصفای ناهار آن‌ها ترشک کوهی زینت بخش سفره بود.

بعدازظهر به بندر خسیینه رفتم.قایق‌های ماهیگیری که در کوه‌چاه کنار خیابان بودند جلوه زیبایی به شهر بخشیده بود. روز بعد به بندر زیبای حسینه رفتم و کمی در پهنه نیلگون خلیج فارس گشت زدیم و احساس غرور از پهنای و تنوع ایران را تجربه کردیم. ماهیگیرها ماهی‌هاشان را برای فروش عرضه می‌کردند.ماهی‌های اندکی که از صید صنعتی و بی رویه به جای مانده بود.

در مسیر بندر شناس به جالیز سیزی کاری رفتم و با چند نفر از اهالی عرب زبان بندرشناس هم سخن شدیم. آن‌ها عربی را به لهجه عرب‌های خوزستان صحبت می‌کردند. پس از بندرلنگه به بندر کنگ رفتیم. شهری به نظر مدرن تر از بندرلنگه. از راه رفتن دمی آسودم و بر روی نیمکتی روبروی یک پهنه دوز نشستم. او با شوق مشغول واکس زدن کفش یک نفر بود. کارش تمام شد و با ریش‌های جو گندی‌اش در سنین میناسلی خود غرق شد. دو نفر جوان از راه رسیدند و از یک کمی خوش و بش مبلغی به او دادند و گفتند: مسواک می‌خواهیم. من شگفت زده شدم. مگر پهنه دوز مسواک هم می‌فروشد؟ مرد میانسالی نگاهی به این طرف و آن طرف کش کرد و با احتیاط برانداز نمود و راه بازگشت به ساندویچ کباب ترکی مهمان شدیم که در نان لواش پیچیده شده بود. بسیار خوشمزه تر از ساندویچ کباب ترکی تهران و استانبول؛ و البته باذمه مهمان حسن آقا.

نخلستانی که حسن آقا در طرح بیانان زدای آباد کرده بود در بین راه نخل یوسف و حسینه بود. وقتی ما را به دیدن آن برد، زمینی را دیدم که تازه زنده شده بود و بوی زندگی می‌داد.

روز جمعه شد و حسن آقا می‌خواست به نمازجمعه برود. من هم همراهش رفتم. خطیب جمعه آن روستای کوچک اهل سنت که جوانی سی ساله به نظر می‌رسید با یک چوب دستی در دستش خطبه‌های نماز جمعه را با شور و حال می‌خواند و سپس نماز را اقامه کرد. پس از نماز، حسن آقا گفت: ما هر هفته فامیل‌های نزدیک را پس از نماز جمعه در محلی در نزدیکی مسجد ملاقات می‌کنیم. سوار ترک موتورش شدم و دودقیقه بعد در محل مورد نظر بودیم. با چند نفر از خویشانوان ایشان گپ و گفتی عادی داشتیم و به خانه برگشتیم و پس از صرف ناهار و کمی استراحت راهی بندر آفتاب شدیم. از بندر چارک گذشتیم و به نزدیکی بندر آفتاب به تماشای غروب خلیج فارس نشستیم. آب‌ها زلال با آرامش و موسیقی زیبای خودش چشم‌های ما را خیره کرد. از چند روستای ساحلی بین راه گذشتیم. ماهی‌های ریز را کم خریدیم پهن کرده بودند تا خشک نموده و از آن استفاده مناسب نمایند. بوی تند ماهی‌های خشک‌شده در مشام ما پیچید. من بوی ماهی‌های خلیج فارس را خیلی دوست دارم.

شنبه صبح باید به سوی تهران باز می‌گشتیم. حسن آقا موقع خداحافظی اشکش را پاک کرد و در مسیر رفتن به فرودگاه بندر لنگه دیگر نت نمی‌رفت. دلش نمی‌خواست ما برگردیم. او و خانواده اش با مهربانی ما را بدرقه کردند همچنان که در پذیره شدن و پذیرایی کردن چنین بودند. لیخد با شکوه او از روی صورتش کم نمی‌شد حتی آن وقت که اشکش را پاک می‌کرد.

خیر

**«کوپک جنگلی» ناصر تقوایی منتشر شد**

بعد از ۴۰ سال فیلمنامه مجموعه «کوچک جنگلی» به قلم ناصر تقوایی منتشر شد.

به گزارش ایسنا، فیلمنامه سه‌جلدی «کوچک جنگلی» به قلم ناصر تقوایی نویسنده، فیلمساز و عکاس پیشکسوت توسط نشر مس منتشر شده است. ناصر در معرفی این کتاب نوشته است: «این کتاب فیلمنامه‌ای است که در سال‌های ۵۹ و ۶۰ به جهت تولید یک مجموعه تلویزیونی پانزده‌قسمتی توسط ناصر تقوایی پژوهش شده و به نگارش درآمده است؛ اما پس از سه سال کوشش در مرحله پیش‌تولید توقف شد و هرگز به اجرا نرسید.

مجزوز کتاب سه‌جلدی «کوچک جنگلی» در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۴۰۰ از اداره کتاب و وزارت ارشاد صادر شده است و در اواخر شهریور ماه سال جاری منتشر و آماده پخش بوده است؛ اما به دلیل شرایط تلخ جامعه پخش آن به تأخیر افتاد. آماده‌سازی و نسخه‌خوانی کتاب بیش از چهار سال وقت برده و انتشار آن با مشکلاتِ دوران کووید ۱۹ و کمبود کاذف روبه‌رو شد و در نهایت به کوشش نشر مس به انجام رسید. این کتاب هم‌انکون در کتابفروشی‌های سراسر ایران در دسترس است و همچنین امکان خرید آنلاین در سایت شخصی ناصر تقوایی به آدرس WWW.NASSETAGHVAI.COM از هفته آینده میسر خواهد شد.

پیش‌تر نیز از ناصر تقوایی مجموعه داستان «تابستان همان سال» توسط نشر لوح در سال ۱۳۴۸ به چاپ رسیده بود که تاکنون چاپ مجدد آن به دلیل سانسور میسر نشده است.



مهدوی‌فر، هومن برق‌نورد، سها نیاستی، گلاره عباسی، حلیه توسلی، مهراوه شریفی‌نیا و فریده سیاه منصور از اعضای هیاتمداره این سریال هستند.

«آکتور» نخستین تجربهٔ کارگردانی نیما جاویدی در یک سریال است که پس از فیلم‌های «سرخپوست» و «ملبورن» برای شبکهٔ نمایش خانگی تولید می‌شود. همچنین داستان آن، دربارهٔ اتفاقاتی است که پیش روی چند بازیگر تئاتر بعد از پیشینه‌هایی که به آن‌ها می‌شود، قرار می‌گیرد و زندگی‌شان را درگیر پیچیدگی‌هایی می‌شود. تاکنون هفت اپیزود از فصل نخست در پلنفرم فیلمو منتشر شده و اپیزود هشتم نیز روز پنج‌شنبه، ۲۵ اسفندماه ۱۴۰۱ در انتشار رسد.

## «آکتور» با گریم‌های سنگین محمدزاده و مهران‌فر

است که مانند کارهای قبلی‌اش با ممیزی چندانی به هنگام پخش مواجه نشده. جاویدی با ۹ سالگی وارد تئاتر شد و در ادامه به سینما پیوست. تعداد فیلم‌های او هم اینک اندک است اما با همین تعداد کم، جایگاه قابل قبولی را به خود اختصاص داده است.

«آکتور» نخستین سریال نیما جاویدی در مقام کارگردان است که ساخت استاندارد آن در مقیاس جهانی، راهیابی‌اش به یک جشنواره بین‌المللی (سریز مانیای فرانسه) را موجب شد. دو بازیگر اصلی این سریال – نوید محمدزاده و احمد مهران‌فر – در سکانس‌هایی برای بالا رفتن سانس‌ها گریم‌های سنگین مواجه شده‌اند که این مساله در روزهای اخیر به واسطه انتشار عکس‌های، توجه کاربران فضای مجازی را به خود معطوف کرده است. نوید محمدزاده که دومین همکاری‌اش با جاویدی را پشت سر می‌گذارد، از همان ابتدا انتخاب کارگردان بوده است اما همکاری با احمد مهران‌فر، در پی به نتیجه نرسیدن انتخاب دیگری شکل می‌گیرد.

«آکتور»، سریالی که انتشار آن در کشاکش اختلاف‌نظرها میان سانساز و پلنفرم پخش‌کننده، آغاز شد و به‌رغم پیش‌بینی اولیه، روزهای آرامی‌ای را در فضای مجازی می‌گذراند.

به گزارش خبرنگار ایسنا، این روزها در شرایطی که تولید و پخش سریال‌هایی با موضوع خشونت، قتل و خیانت در شبکه نمایش خانگی بالا گرفته است، «آکتور» می‌کوشد با شکستن فضای غالب، شخصیت‌های مثبت محبوبی را به دور از کلیشه‌های رایج خلق کند.

تاکید نیما جاویدی در «آکتور» بر نمایش فضای مثبت است؛ ایده‌ای که خودخواسته در کارهایش شکل می‌گیرد و «سرخپوست» هم به رسم گذر داستان در زندان، از آن بی‌نصیب نمانده است. با این همه جاویدی تأکید دارد که مخاطبی که «آکتور» را تماشا می‌کند با توجه به مدیوم پخش‌کننده، متفاوت از تماشاگرِ آخرین فیلمش به عنوان کارگردان یعنی «سرخپوست» است.

نگاه جزئی‌نگر جاویدی، در سریال «آکتور» بار دیگر نمایان است. مجموعه او در حقیقت ادای دینی به تئاتر